

آموزش و پژوهش جامعه‌شناسی در ایران

○ شهلا پورقاسم

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی
رسانش



وضعیت تحقیقات اجتماعی در ایران
منوچهر محسنی - مسعود کوثری
رسانش
۱۳۷۸، ۴۴۷ صفحه

چکیده

این کتاب می‌کوشد وضعیت جامعه‌شناسی را در ایران از منظر تحقیقات اجتماعی بررسی کند. کتاب شامل دوازده مقاله درباره حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی به قلم جمعی از پژوهشگران است. مقدمه این کتاب با عنوان «نگاهی به شکل‌گیری و توسعه تحقیقات اجتماعی در ایران» به قلم دکتر منوچهر محسنی است.

نویسنده با نگاهی جامعه‌شناختی و براساس نظریه «رابطه جامعه و پژوهش»، تحقیقات جامعه‌شناسی را در ایران بررسی می‌کند. این مقدمه در واقع پیوند دهنده مقالات بیکر این مجموعه است که عناوین آنها به قرار زیر است:

«وضعیت تحقیقات خانواده و ازدواج در ایران»، «تحقیقات اجتماعی زنان»، «وضعیت تحقیقات اجتماعی قشرها، طبقات و نابرابریها در ایران»، «مطالعات اجتماعی ایلات و عشایر»، «بررسی وضعیت تحقیقات روانی - اجتماعی در ایران»، «مطالعات اجتماعی آموزش و پرورش»، «مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی دین»، «جامعه‌شناسی مطبوعات»، «تحقیقات اجتماعی انبیات»، «جامعه‌شناسی علم» و «مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران».

دکتر منوچهر محسنی با عنوان «نگاهی به شکل‌گیری و توسعه تحقیقات اجتماعی در ایران» نگاشته است. تأکید اصلی مقاله بر این است که از منظری جامعه‌شناختی و با نظر به رابطه جامعه و پژوهش، تحقیقات جامعه‌شناسی در ایران را بررسی کند. نویسنده مقاله، چهار مدل را برای جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی ارائه می‌کند:

۱- مدل نهادی: در این مدل جامعه‌شناسی به عنوان مجموعه‌ای از نهادهای آموزشی، که ساخت‌های دانشگاهی، سنت‌ها و رقابت‌ها بر شکل‌گیری سازمان و حوزه کار آن مؤثرند، مطالعه می‌شود.

۲- مدل هم‌نوایی ایدئولوژیک: مدلی است برای بررسی نفوذ ارزش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها در ماهیت مفهوم‌سازی و توسعه جامعه‌شناسی

۳- مدل تحلیل زمینه‌ای: این مدل میان رشته‌ای، تسلط، افول و انهدام پارادایم‌های اصلی، مکاتب تئوریک، تضادها، رهبری و کنترل ابزارهای ذهنی تولید در جامعه‌شناسی را بررسی می‌کند.

۴- مدل وابستگی: این مدل رابطه علوم اجتماعی در کشورهای دنیا با علوم اجتماعی در اروپا و آمریکا بررسی می‌کند. این مدل قابل به وابستگی عالمان علوم اجتماعی در کشورهای دنیا به همکارانشان در آمریکا و اروپاست و اثرات این وابستگی را کانون توجه خود قرار داده است. (ص ۱۷).

نویسنده با بهره‌گیری از این مدل‌های مورد اشاره، وضعیت جامعه‌شناسی در ایران را تحلیل می‌کند. از مجموع گزاره‌هایی که وی در این باب ارائه می‌کند، می‌توان استنباط کرد که سه عامل ساخت غیرپژوهشی دانشگاهها، فقدان رابطه صحیح میان دولت و پژوهش و ضعف روابط درونی پژوهشگران را در رشد نیافتگی تحقیقات مؤثر می‌داند:

این چارچوب نظری، الهام‌بخش نویسندگان یازده مقاله درباره وضعیت تحقیقات اجتماعی در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی در ایران بوده است.

در انتهای هر مقاله، ذیل عنوان «نقد و نظر» نویسنده در خصوص وضعیت کلی حوزه مورد بررسی به شکل انتقادی اظهارنظر کرده است. در این نوشتار تنها به بازخوانی چکیده‌ای از مطالب منعکس شده در بخش «نقد و نظر» هر مقاله اکتفا می‌کنیم.

از هنگامی که دکتر غلامحسین صدیقی واژه «جامعه‌شناسی» را در برابر واژه فرانسوی «Sociologie» وضع کرد، شصت سال می‌گذرد. از آن زمان تاکنون جز چند کتاب کوچک، تلاش مدون و منسجمی برای تحلیل وضعیت جامعه‌شناسی در ایران صورت نگرفته است. کتاب «وضعیت تحقیقات فرهنگی اجتماعی در ایران» که به اهتمام دکتر منوچهر محسنی و مسعود کوثری و جمعی از نویسندگان دیگر به چاپ رسیده است، می‌کوشد وضعیت جامعه‌شناسی را از منظر تحقیقات اجتماعی بررسی کند.

کتاب شامل ۱۲ مقاله درباره حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی و در پی بررسی چگونگی شکل‌گیری و تکوین جامعه‌شناسی در ایران است. در مقالات دوم تا دوازدهم این مجموعه، هریک از نویسندگان کوشیده‌اند تا از راه بررسی مفهوم، گستره موضوعی، تاریخچه، اهمیت علمی و رشته‌ای، وضعیت انجمن‌ها و نهادهای علمی، تولیدات علمی، نشریات و منابع اطلاعاتی مرتبط با حوزه‌های جامعه‌شناسی، وضعیت تحقیقات در این حوزه‌ها را بیان کنند.

رشته پیونددهنده میان مقالات، مقدمه‌ای است که

وضعیت تحقیقات خانواده و ازدواج در ایران

این مقاله به قلم «زهرا تشکر» و «یحیی علی بابایی» تدوین شده است. نویسندگان در نهایت معتقدند که:

- ۱- وضعیت تکوین و تحول نظام خانواده در ایران و غرب تاکنون مسیر متفاوتی را پیموده است. برخلاف غرب، در ایران هنوز اصلی‌ترین نهاد تثبیت‌کننده ارزش‌ها و اجتماعی شدن، خانواده است، و براین اساس، مطالعات جامعه‌شناسی خانواده، بسیار مهم ارزیابی می‌شود.
- ۲- حجم عظیم مطالعات انجام شده در حوزه خانواده (دو هزار مقاله و کتاب، صد و ده طرح پژوهشی و دویست پایان‌نامه) همه با دیدگاه اخلاقی و تربیتی تنظیم شده‌اند، نگرشی عامه پسند دارند و تکراری هستند.
- ۳- مطالعات علمی درباره خانواده هنوز از سازمان منسجمی برخوردار نیستند. هیچ سازمانی به شکل برنامه‌ریزی شده، نه در بخش دولتی و نه بخش خصوصی-رهبری و تنظیم مطالعات خانواده را متکفل نیست.
- ۴- متخصصان تربیت شده در حوزه جامعه‌شناسی خانواده بسیار اندک‌اند.
- ۵- به عقیده نویسندگان، آموزش تکراری و کم‌مایه درس جامعه‌شناسی خانواده و گرایش غیرپژوهشی آن، اصلی‌ترین مانع پرورش متخصصان این حوزه و تقویت پژوهش در آن است.

تحقیقات اجتماعی درباره زنان

این مقاله به قلم «فرحناز حسام» تألیف شده است. رئوس بخش نقد و نظر این مقاله را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد.

- ۱- انقلاب مشروطه، طلیعه حضور زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف و وارد شدن آن‌ها به عرصه چانه‌زنی‌های اجتماعی برای احقاق حقوق و آزادی‌های مدنی است. همچنین عصر پهلوی، در ابعاد گوناگون (مثبت و منفی) سبب بسط مشارکت زنان در جامعه شد. انقلاب اسلامی ایران نیز با حذف جریان‌های خاصی از امور زنان در دوران پهلوی و تقویت بعضی جریان‌های دیگر نقش مهمی را ایفا نموده است. بنا بر اوضاع مختلف کشور بعد از انقلاب، وضعیت، الگو و بایسته‌های زنان به گونه‌ای خاص تفسیر شده است.
- ۲- دو جریان عمده مطالعاتی در ایران قبل از انقلاب وجود داشته است. الگوی اول به طرح ناقص نظام ارزشی و کلیشه‌های رفتاری جوامع مدرن در مورد زنان می‌پرداخت. و دیگر با طرح زنان اسطوره‌ای مسلمان، برجستگی‌های شخصیتی آن‌ها را نمایان می‌کرد. نتیجه هر دو جریان انفعال زنان در عرصه اجتماعی بوده است. بعد از انقلاب نیز جریان اول حذف شد و با تقویت جریان دوم، وجوه اجتماعی و سیاسی زنان اسطوره‌ای تاریخ اسلام مطرح شدند.
- ۳- در هر دو دوره قبل و بعد از انقلاب محققان تنها زنان شهری را مطالعه کرده‌اند و به زنان روستایی و عشایری بی‌توجه بوده‌اند.
- ۴- ظاهراً در همه این سال‌ها مطالعات زنان در پلاتکلیفی به سر برده‌اند. نگاه منحصراً فقهی نسبت به زنان نگاهی نیم باز و ناکارآمد بوده است و شاخص‌هایی نیز که سازمان‌های غربی و بین‌المللی دیکته کرده‌اند، به شکلی خام در تحلیل‌ها به کار گرفته شده‌اند، بدون آن که با شرایط داخلی منطبق شده باشند.

۵- به لحاظ طبقه‌بندی مطالعات زنان، دیدگاه‌های فقهی و دینی، تعبیر فونکسیونالیستی از زن ارائه می‌دهند و نقش زن در تربیت فرزند و همسررداری را بررسی می‌کنند. دیدگاه‌های ستیزگرایانه نیز تقسیم کار، اشتغال و برابری فرصت‌ها را مطالعه می‌کنند. اما مطالعات در موضوعاتی نظیر بررسی وضعیت زنان زندانی، انحرافات اجتماعی زنان، و نقد قوانین مجازات اسلامی علیه زنان، بسیار فقیر هستند.

وضعیت تحقیقات اجتماعی قشرها، طبقات و نابرابری‌ها در ایران
این مقاله را نیز «زهرا تشکر» و «یحیی علی بابایی» نگاشته‌اند. می‌توان عبارات زیر را اصلی‌ترین موارد نتیجه‌گیری نگارندگان درخصوص این حوزه مطالعاتی در ایران دانست:

۱- نابرابری‌های اجتماعی به لحاظ آن که در جامعه به خوبی قابل مشاهده هستند و هم به لحاظ این که از عمده‌ترین مسایل اندیشه جامعه‌شناختی هستند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. لیکن اصلی‌ترین سؤالی که پیش می‌آید آن است که چرا با گذشت چهل سال از شروع به کار رسمی جامعه‌شناسی در ایران، این همه به

برخلاف غرب، در ایران هنوز اصلی‌ترین نهاد تثبیت‌کننده ارزش‌ها و اجتماعی شدن، خانواده است

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مطالعات عشایر در ایران، تابع محدودیت‌های سیاسی بوده است. به‌ویژه در دوران پهلوی، سیاست‌های ضدعشایری خاندان پهلوی، وجه تحلیلی این مطالعات را محدود نموده و توجه به صبغه تاریخی و توصیفی آنها را تقویت کرده بود

تحقیقات اجتماعی در این حوزه بی‌توجهی شده است.
۲- تحقیقات در این حوزه، اندک، پراکنده و بسیار کم‌مایه است.

۳- دو دلیل برای این بی‌توجهی وجود دارد. دلیل اول مشکلات نظری و روشی در خود جامعه‌شناسی برای انجام این مطالعات است. و دوم مشکلات خاص جامعه ما، درخصوص مشکل دوم باید گفت، از آن جا که بحث قشرها و طبقات اجتماعی باعنایت به دیدگاه‌های مارکسیستی در ایران طرح شده است و از سوی دیگر به دلایل مختلفی این دیدگاه‌ها جای خود را در ایران باز نکرده‌اند. لذا تحقیقات اجتماعی حوزه نابرابری‌های اجتماعی همزمان با مشکل مفهومی و عینی درگیر هستند و از این‌رو مهجور و پراکنده باقی مانده‌اند.

۴- وجود نابرابری‌های شدید در جامعه ما، پرداختن به مطالعات منسجم‌تر و با کیفیت و کمیت بیشتر را الزامی ساخته است.

مطالعات اجتماعی ایلات و عشایر

مقاله «مطالعات اجتماعی ایلات و عشایر» به همت علی محمد قدسی، تهیه شده است. در جمع‌بندی مطالب مقاله نکات زیر قابل توجهند.

- ۱- بعد از انقلاب اسلامی ایران مطالعات ایلات و عشایر رشد کمی و کیفی داشته‌اند و از حالت توصیفی به جنبه‌های تحلیلی موضوع پرداخته‌اند.
- ۲- مطالعات عشایر در ایران همواره تابع محدودیت‌های سیاسی بوده است، بالاخص در دوران پهلوی، سیاست‌های ضدعشایری خاندان پهلوی، وجه تحلیلی این مطالعات را محدود نموده و توجه به صبغه تاریخی و توصیفی آن‌ها را تقویت کرده بود.
- ۳- باتوجه به تحول ساختاری زندگی عشایری و مشکلات روزافزون زندگی ایشان، توجه عمیق‌تر به وضعیت عشایر در بعد مطالعات اجتماعی ضروری است. بررسی وضعیت تحقیقات روانی-اجتماعی در ایران این مقاله به قلم «محسن نوغانی» تهیه شده است. محورهای اساسی جمع‌بندی مؤلف درباره وضعیت تحقیقات اجتماعی در این حوزه عبارتند از:
- ۱- بعد از چهل سال پرداختن به تحقیق و تدریس در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، هنوز این شاخه دارای گروه مستقل و جایگاه تعریف شده‌ای در نظام تدریس و تحقیق نیست. تحقیقات روانی-اجتماعی به لحاظ این که هنوز از منزلت اجتماعی مشخصی برخوردار نیستند در انجام تحقیقات کارآمد نیز ناموفق عمل کرده‌اند.
- ۲- تداخل میان روان‌شناسی اجتماعی و رشته روان‌شناسی، و نبود سازمان منسجم تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی سبب شده است که تحقیقات روان‌شناختی بر عرصه این تحقیقات سایه اندازد.
- ۳- تنوع موضوعی تحقیقات روان‌شناسی اجتماعی فراموش شده است و تحقیقات در محدوده‌ای تنگ و آن هم به صورت فرعی انجام می‌شوند.
- ۴- به عقیده نویسنده، راه‌اندازی مؤسسات تحقیقاتی مستقل در عرصه روان‌شناسی اجتماعی و تعریف جایگاه مشخص سازمانی در عرصه دانشگاه برای این رشته، گام مهمی در تقویت این‌گونه تحقیقات خواهد بود.

مطالعات اجتماعی آموزشی و پرورشی

این مقاله که به قلم «محمدحسن مفتی‌زاده» است،

به هنگام جمع‌بندی موارد ذیل را مدنظر قرار داده است:

- ۱- میزان تحقیقات جامعه‌شناختی در حوزه تعلیم و تربیت به حدی نرسیده است که بتوان به شیوه‌ای فراتحلیلی روندها و جریان‌های خاصی را در درون آن مشخص و از هم تفکیک کرد.

- ۲- بعد از ۵۰ سال تدریس جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در دانشگاه‌های کشور، این درس نه اعتبار چندانی دارد و نه هیچ موسسه پژوهشی یا انجمن علمی‌ای به شکل تخصصی و کارآمد در این عرصه فعالیت می‌کند.
- ۳- تعداد کتاب‌های منتشر شده در این حوزه بسیار اندک‌اند و تنها ۲/۸ درصد از کل کتاب‌های منتشر شده جامعه‌شناسی به این موضوع مربوط هستند.

- ۴- محدود مطالعات انجام شده نیز عمدتاً توصیفی و با صبغه نظری هستند و کمتر جنبه کاربردی دارند.

مطالعات مربوط به جامعه‌شناسی دین مقاله‌ای است به قلم «سیدمحمد میرسنده» که در بخش‌هایی درباره‌ی این حوزه مطالعاتی در ایران چنین نتیجه‌گیری می‌کند:

- ۱- فعالیت‌های مربوط به جامعه‌شناسی دین در ایران در دو عرصه پیگیری می‌شوند: اول در حوزه روشنفکری و دوم در عرصه دانشگاه، عرصه دوم دچار رکود شدید است. لیکن عرصه دوم کاملاً فعال و هر دو جبهه روشنفکری دینی و غیردینی در آن فعال بوده‌اند.

- ۲- طرح این سؤال بسیار مهم است که چرا نظام رسمی دانشگاه این چنین از کنار قضیه دین بی‌تفاوت گذشته است، نویسنده کوشیده است تا در دو بند به اجمال به این سؤال پاسخ گوید.

الف - تلقی جامعه‌شناسی به عنوان علمی که داعیه ضدیت با دین دارد و همچنین سیطره جریان مارکسیستی بر کل جامعه‌شناسی ایران در دهه‌های اولیه پیدایش این رشته، نگرشی منفی نسبت به رابطه جامعه‌شناسی و دین ایجاد کرده است. این نگرش در بعد از انقلاب اسلامی نیز تداوم یافته است.

- ۲- نگرش فوق بر برنامه‌ریزی دروس در رشته جامعه‌شناسی تأثیر گذارده است و هیچ واحدی برای این حوزه در برنامه دانشگاهی لحاظ نشده است. لذا رشد مطلوبی برای این حوزه در درون نظام دانشگاهی متصور نیست. از میان پایان‌نامه‌های انجام شده در دانشگاه تربیت مدرس تنها سه درصد آن‌ها به حوزه جامعه‌شناسی دین مربوط‌اند و این خود نشان از ضعف عمیق این عرصه است.

- ۳- به نظر نویسنده ارائه درس جامعه‌شناسی دین در دانشگاه‌ها و تلاش برای نزدیک کردن مطالعات مربوط به عرصه دین‌شناسی فلسفی و الهیات با مطالعات جامعه‌شناختی دین و ارتباط بیشتر میان محققان حوزه‌های مختلف پژوهش‌های دینی گام بلندی برای پیشبرد این شاخه از جامعه‌شناسی خواهد بود.

جامعه‌شناسی مطبوعات

«بیژن زارع»، کوشیده است تا در مقاله «جامعه‌شناسی مطبوعات»، عرصه‌ای از مطالعات جامعه‌شناختی را در دنیای امروز که هر لحظه سیل فزاینده ارتباطات اهمیت بیشتری می‌یابد، بررسی کند. در قسمت‌های مقاله، نکات ذیل جلب توجه می‌کنند:

- ۱- مطبوعات، زاده تمدن جدیدند و جوهر این تمدن آزادی است و مطبوعات و آزادی لازم و ملزوم یکدیگرند.

اما در عالم واقع میان این جوهره تمدنی و نگرش‌ها، امکانات و لوازم اجتماعی متناسب با آن در جامعه فاصله‌هایی وجود دارد.

- ۲- تحقیقات انجام شده درباره مطبوعات اغلب سطحی هستند و نتوانسته‌اند علل توسعه نیافتگی مطبوعات در ایران را تبیین کنند.

- ۳- اگرچه تعداد کتاب‌های منتشر شده در حوزه ارتباطات، فزونی یافته است. لیکن غالباً از منابع غربی ترجمه شده‌اند و چندان سختی با شرایط داخلی کشور ندارند.

- ۴- شاخه علوم ارتباطات در بعد جامعه‌شناختی هنوز نه وضعیت رشته‌ای مناسبی دارد نه از سازمان تحقیقاتی شایسته‌ای برخوردار است.

- ۵- به عقیده مؤلف، پیشنهادهایی ذیل بر غنای تحقیقات در این حوزه خواهد افزود:

الف - ایجاد بانک اطلاعات پژوهشگران و پژوهش‌های انجام شده در عرصه ارتباطات

ب - تبیین اصول سیاست‌های اطلاعاتی و ارتباطی از سوی دولت

ج - تغییر نظام گزینش دانشجویان در رشته ارتباطات اجتماعی و جذب دانشجویان علاقمند

در عرصه جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی،

چهار مدل نظری را می‌توان به کار برد:

مدل نهادی، مدل هم‌نمایی ایدئولوژیک،

مدل تحلیل زمینه‌ای و مدل وابستگی

تلقی جامعه‌شناسی به عنوان علمی که

داعیه ضدیت با دین دارد و همچنین

سیطره جریان مارکسیستی بر

کل جامعه‌شناسی ایران در دهه‌های

اولیه پیدایش این رشته،

نگرشی منفی نسبت به

رابطه جامعه‌شناسی و دین

ایجاد کرده است

- د - ایجاد هماهنگی و ارتباط بین مراکز آموزش دانشگاهی در رشته ارتباطات و مؤسسات مطبوعاتی تحقیقات اجتماعی ادبیات

مقاله حاضر به همت «مسعود کوثری» تألیف شده است. وی بعد از بررسی مفاهیم نظری و تحلیل وضعیت تحقیقات اجتماعی ادبیات در ایران، در چند بند به شرح ذیل، نتیجه‌گیری نموده است:

- ۱- اساساً رشته جامعه‌شناسی ادبیات در خارج از دانشگاه و تحت تأثیر جریان روشنفکری که عمدتاً در حوزه ادبیات فعالیت می‌کرد و توسط نمایندگانی با گرایش به نقد ادبی جدید شکل گرفت.

- ۲- با وجود انتشار تعدادی مقاله در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات، تاکنون کتاب ارزشمندی که چشم‌انداز، مبانی، صاحب‌نظران، تئوری‌ها و روش‌های تحقیق این رشته را به دانشجویان و محققان علاقه‌مند معرفی کند تألیف یا ترجمه نشده است.

- ۳- تعداد اساتید متخصص در این رشته که حداقل عمده انرژی و دقت آن‌ها صرف این رشته شود بسیار اندک است.

- ۴- هیچ حمایت سازمانی یا تحقیقاتی خاصی از این رشته در ایران به عمل نمی‌آید.

جامعه‌شناسی علم

«جامعه‌شناسی علم» عنوان مقاله‌ای است به قلم «محمدعلی امیرشیبانی» که بررسی مفصلی از گستره موضوعی جامعه‌شناسی علم، وضعیت تکوین و تحول آن در خارج و داخل ایران و جریان‌های عمده حاکم بر این عرصه از جامعه‌شناسی ارائه داده است. به عقیده نویسنده، در سال‌های بعد از انقلاب اقبال بیشتری به جامعه‌شناسی علم شده است. در ضمن، انتشارات مجلاتی که به شکل تخصصی در این حوزه فعالیت می‌کنند، این جریان را تقویت کرده است. لیکن این روند رو به رشد، به دلیل شناخت کاربردها و اهمیت این رشته نیست، لذا نمی‌توان این جریان رشدیابنده را به شکل مداوم پیش‌بینی کرد.

مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران

این مقاله که آخرین مبحث کتاب را تشکیل می‌دهد، به قلم «منصوره آزاد» است. این مقاله ضمن ارائه بحث‌های نظری و بررسی وضعیت مطالعات آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران چنین نتیجه می‌گیرد که اگرچه این رشته از اولین شاخه‌های جامعه‌شناسی است که در ایران تدریس شده و درباره آن تحقیق شده است، لیکن هنوز منابع درسی و پژوهشی مناسب، تهیه و منتشر نشده‌اند. همچنین با آن که تحقیقات فراوانی در این حوزه انجام می‌شود، نهاد علمی و آکادمیک ویژه‌ای که تحقیقات پراکنده را هماهنگ ساخته و به طور دقیق و نظام‌مند نتایج تحقیقات را در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد ایجاد نشده است.

در مجموع، کتاب «وضعیت تحقیقات اجتماعی فرهنگی در ایران» اثری است که هریک از علاقه‌مندان مطالعات جامعه‌شناختی، ضمن بهره‌گیری از کتاب‌شناسی‌ها و اطلاعات آماری مندرج در آن می‌توانند به نقائص و فرصت‌های تحقیقاتی در یازده حوزه از جامعه‌شناسی پی برده و در عرصه‌های متنوع مربوط به تحقیقات جامعه‌شناختی، این اطلاعات را به کار بگیرند.